



ارزیابی مقایسه‌ای انسجام غیر ساختاری در شعر سمیح القاسم و قیصر امین پور

در پرتو زیان‌شناسی نقش گرا

(مطالعه موردی: فلسطینیة فی صوفیا وینجره)

د. مهدی فرحانی^(*)

◆ تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۲/۴

◆ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۲۲

چکیده

زبان‌شناسی متن و موضوعات مرتبط با آن، از جمله عنصر انسجام، پیشینه‌های نسبتاً جدیدی در حوزه زبان‌شناسی و بنابراین در حوزه نقد ادبی دارد. در همین زمینه، زبان ابزار اصلی انتقال فرهنگ است و هر عنصر نقش خاصی را در نظام کلی زبانی ایفا می‌کند. در این سیستم از ابزارهای مختلفی برای نشان دادن انسجام در متن استفاده می‌شود. انسجام متن یکی از موضوعات مهم در نظریه زبان‌شناسی کارکردی است. این نظریه به بررسی و تحلیل عواملی می‌پردازد که اجزای یک متن را در سطوح دستوری و واژگانی به هم پیوند می‌دهد و در نهایت به انسجام آن می‌انجامد. هدف این پژوهش بررسی ابزارهای انسجام متنی در قصیده «فلسطینیة

(*) استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران m.farhani@velayat.ac.ir

في صوفيا» از شاعر معاصر فلسطینی سمیح القاسم و قصیده «پنجره» از شاعر معاصر ایرانی قیصر امین پور است. این تحقیق با رویکرد توصیفی تحلیلی به ویژه منابع زبان شناسی متن تهیه شده است. این دو قصیده تقریباً در شرایط فرهنگی و اجتماعی یکسانی نوشته شده است. با توجه به این شباهت ها و همچنین حجم اندک این دو قصیده، می توان کیفیت انسجام آنها را بررسی نمود.

از برجسته ترین نتایجی که در این تحقیق به دست آمده این است که شعر سمیح القاسم با شعر قیصر دارای تعداد بیشتری ابزار انسجام متنی است. ولذا قصیده سمیح القاسم با درصد کلی ۸۴/۳۷٪ نسبت به قصیده قیصر (۶۵/۹۰٪)، از انسجام بیشتری برخوردار است. پرکاربردترین ابزار انسجام متنی در شعر سمیح، ارجاع در ضمیر است. این در حالی است که قصیده فارسی اصلاً ارجاع نداشته و از نظر عنصر واژگانی تکرار نیز قابل مقایسه با قصیده عربی نیست. سمیح القاسم از تکرار افعال بیشتری نسبت به قیصر استفاده کرده است که در قالب این افعال ضمیر مستتر نیز به ما قبل ارجاع داده شده است. شیوه تکرار در اشکال مختلف (حرف، اسم، فعل، جمله، عبارات) وجود دارد، به گونه ای که این تکرار بیش از سایر ابزارهای انسجام به قوام شعر او و انسجام بین اجزای شعر و انفجار احساسات شاعر و گنجینه زبانی او کمک کرده است.

کلیدواژه ها: انسجام، شعر معاصر فارسی و عربی، فلسطینیة فی صوفیا، پنجره، سمیح القاسم، قیصر امین پور.

۱. مقدمه

مطالعات اولیه زبان شناسی بر کشف واحدهایی مانند صداها، کلمات و جملات متمرکز بود. زبان شناسان تجزیه و تحلیل واحدهایی را که فراتر از جمله بودند دشوار و غیرعملی می دانستند. بنابراین، دستور زبان سنتی از مطالعه واحدی طولانی تر از جمله، مانند: «متن» غافل شده بود. در واقع، «جمله» که رویدادها

را به‌عنوان یک واحد زبانی بزرگ توصیف و تبیین می‌کند، کانون پژوهش‌های زبان‌شناختی بود. اما به دلیل تفاوت در مواضع محققان و معیارهای زبانی آنها، اصطلاحات جدیدی مانند: گفتار و جمله پدید آمد. سپس «از اواسط نیمه دوم قرن بیستم، زبان‌شناسانی چون زلیگ هریس (۱۹۰۹-۱۹۹۲) و کنت لی پایک (۱۹۱۲-۲۰۰۰) به تدریج توجه خود را به توزیع عناصر زبانی خارج از محدوده جمله معطوف کردند و متن به عنوان واحدی فراتر از جمله کشف شد» (آقاگل‌زاده و افخمی، ۱۳۸۳هـ.ش، ص ۹۱).

هریس در سال ۱۹۵۲ مطالعه‌ای تحت عنوان تحلیل گفتمان منتشر کرد و دیگر زبان را در قالب کلمات و جملات فردی نمی‌دید. در اینجا می‌توان به هارمن (۱۹۷۵) و هالیدی و حسن (۱۹۷۳) و کار مشترک آنها در زمینه انسجام در زبان انگلیسی اشاره کرد. هالیدی و حسن از نخستین زبان‌شناسانی هستند که سعی کردند از سطح جملات و مطالعات دستوری فراتر رفته و به معنای متن، شکل‌گیری بافت متنی و عوامل دخیل در آن بپردازند و ابعاد ارتباطی، عملی و اجتماعی زبان را در نظر بگیرند.

زبان‌شناسی به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر نظریه‌های هالیدی در طول دهه ۱۹۶۰ قرار گرفت و مسئله انسجام به عنوان معیاری در مطالعه متون جایگاهی مرکزی به خود اختصاص داد. بنابراین «در مطالعات متنی متون نظام مند، می‌توان با تحلیل انسجام متنی، به شناخت بهتری از آنها دست یافت» (هالیدی و حسن، ۱۹۸۵م، ص ۸۳).

این مقاله به دنبال بررسی نظریه نظام‌مند هالیدی و حسن ۱۹۸۵م در متن قصیده «فلسطینیه فی صوفیا» از سمیع القاسم و قصیده «پنجره» از قیصر امین پور با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و آماری است، و در صدد است تا به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱. عوامل انسجام در قصیده «فلسطینیه فی صوفیا» از سمیع القاسم و قصیده

«پنجره» از قیصر امین پور چیست؟

۲. فراوانی وقوع عوامل ایجاد کننده انسجام دستوری غیر ساختاری در قصیده «فلسطینیه فی صوفیا» از سمیع القاسم و قصیده «پنجره» از قیصر امین پور چقدر است؟

۳. بر اساس نظریه هالیدی و حسن (۱۹۸۵)، سطح دستوری و واژگانی تا چه اندازه در قصیده «فلسطینیه فی صوفیا» از سمیع القاسم و قصیده «پنجره» از قیصر امین پور انسجام متنی ایجاد کرده است؟

۱-۱. پیشینه تحقیق

به طور کلی و در راستای موضوع انسجام، مطالعات قابل توجهی به زبان های فارسی و عربی انجام شده است. با این حال، می توان گفت مطالعه و نقد دقیقی که به نوع انسجام و سازوکارهای گوناگون آن در قصیده «فلسطینیه فی صوفیا» از سمیع القاسم و قصیده «پنجره» از قیصر امین پور باشد، دست نیافتیم.

۲. چارچوب نظری

هالیدی استدلال می کند که ساختار یک زبان ارتباط تنگاتنگی با کاربرد و نقش کارکردی آن دارد و اگرچه نقش های زبانی مختلف بر اساس فرهنگ های مختلف متفاوت است، اما می توان نقش های زبانی اساسی مشترک در همه فرهنگ ها را شناسایی کرد. بر اساس این دیدگاه، هر نوع انتخاب زبان در صورتی مفید است که در یک زمینه یا موقعیت اجتماعی یا در یک فرهنگ به کار رود (فتوحی رودمعهجی، ۱۳۹۱ هـ.ش، ص ۱۷). هالیدی سه نقش اصلی زبان را مشخص می کند: الف) نقش محتوا یا هدف: بیان کننده محتوای بخش های تجربی و منطقی است. ب) نقش اجتماعی یا شخصی: تعیین کننده نوع رابطه بین مخاطب و گوینده است. ج) نقش متنی: این نقش علاوه بر تعریف نظام درونی جمله و چینش عناصر تشکیل دهنده

آن، متنی منسجم متشکل از چندین جمله نامرتبط را تعریف می‌کند. این نقش از دو قسمت تشکیل شده است: ۱) قسمت ساختاری: از دو ساختار اساسی که عبارتند از اخبار و اطلاعات تشکیل شده است. الف) ساخت مبتدا و خبر: خواننده به دنبال دستیابی به محور اصلی اخبار در هر دسته است. در این ساخت، مبتدا یا موضوع هدف اصلی پیام است و محمول یا خبر آن چیزی است که در مورد موضوع گفته می‌شود (مهاجر ونبوی، ۱۳۷۶هـ.ش، ص ۵۷). ب) ساخت اطلاعات: این ساخت نتیجه تعامل بین اطلاعات قدیم و جدید است که فقط برای شنونده معنا دارد، نه برای گوینده. زیرا از نظر گوینده، هر اطلاعاتی، اطلاعات قدیمی است؛ بنابراین ساختاری شنونده محور است. ۲. قسمت غیر ساختاری: شامل انسجام و هماهنگی است. هماهنگی دستوری به ساختاری و غیر ساختاری تقسیم می‌شود. در انسجام غیر ساختاری، عناصر انسجام دستوری و واژگانی ارائه می‌شود، در حالی که در انسجام ساختاری، به سایر موضوعات دستوری مانند تعادل، بسط موضوع-محمول و سازمان‌دهی قدیم و جدید (اطلاعات) پرداخته می‌شود (هالیدی، ۱۹۸۵م، ص ۸۲).

۲-۱. انسجام متن

روابط خاصی بین جملات یک متن وجود دارد که آن متن را از دسته‌ای از جملات که به طور تصادفی در کنار یکدیگر قرار گرفته اند جدا می‌کند. مجموعه این روابط خلاقانه متن را انسجام متنی می‌نامند (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶م، ص ۱۱). انسجام متن زیرمجموعه‌ای از کارکرد متنی غیر ساختاری است که روابط معنایی عناصر در یک متن را بررسی می‌کند. انسجام زمانی به وجود می‌آید که تفسیر یک عنصر به عنصر دیگر وابسته باشد (لطیف‌پور ساعدی، ۱۳۸۷هـ.ش، ص ۱۱۰). بر اساس دیدگاه هالیدی، انسجام بخشی از طریق دستور زبان و نحو و بخشی از طریق واژگان حاصل می‌شود. در نتیجه دو نوع انسجام داریم: الف) انسجام نحوی ب)

انسجام لغوی. هالیدی و حسن به بررسی ساختار متن و روابط بین جملات پرداختند و روابط متقابل در متن را انسجام متنی نامیدند (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶م، ص ۴). در همین راستا، این تحقیق بر اساس نظریه پیشرفته هالیدی و حسن (۱۹۸۵)، به انسجام دستوری غیرساختاری که در جدول ۱ در زیر نشان داده شده است، می پردازد:

جدول شماره ۱) خلاصه‌ای از عوامل انسجامی (Halliday & Hasan, ۱۹۸۵: ۸۲)

انسجام غیرساختاری (non - structural cohesion)
روابط عناصر سازنده (componential relations)
روابط انداموار (organic relations)

عوامل انسجام دستوری	عناصر (device) رابطه نوعی گره (typical tie relations)	
	الف) ارجاع (reference)	ب) جانشینی و حذف (substitution & ellipsis)
عوامل انسجام دستوری	۱. ضمیری (pronominals) ۲. اشاره‌ای (demonstrative) ۳. حرف تعریفی (definitive article) ۴. مقایسه‌ای (comparative)	۱. اسمی (nominal) ۲. فعلی (verbal) ۳. جمله‌ای (clausal)
	۱. پیوندی (conjunctions) ۲. مجاورت جفت‌ها (adjacency pairs) هم‌مرجع (co-reference)	مثال: جوابی که پس از سؤال می‌آید. پذیرشی که پس از پیشنهاد می‌آید و ... هم‌طبقه (co-classification)

تأمیدی :(continuative) مثال: هنوز	هم‌طبقه	الف) عام (general) ۱. تکرار (repetition) ۲. هم‌معنایی (synonymy) ۳. تضاد معنایی (antonymy) ۴. جزء و کل (meronymy) یا همگستر (co - extention)	عوامل انسجام واژگانی
	هم‌مرجع (co-reference)	ب) نمونه‌های (موردی) (instantial): ۱. برابری (equivalence) ۲. نامگذاری (naming) ۳. تشابه (semblance) یا هم‌طبقه (co - classification)	

انسجام ساختاری (structural cohesion):

الف) توازن (parallelism).

ب) بسط مبتدا - خبر (theme - rheme development).

ج) سازماندهی (اطلاعات) کهنه و نو (given - new organization)

۲-۱-۱. عناصر دستوری

انسجام دستوری به ساختاری و غیر ساختاری تقسیم می‌شود. در انسجام غیر ساختاری، عناصر انسجام دستوری و واژگانی ارائه می‌شود، در حالی که در انسجام ساختاری، به موضوعات دستوری دیگری مانند تعادل، بسط موضوع-مقدم و سازماندهی قدیم و جدید (اطلاعات) پرداخته می‌شود (هالیدی و حسن، ۱۹۸۵م، ص ۸۲) همانطور که در جدول فوق نشان داده شده است.

۲-۱-۱-۱. ارجاع

«ارجاع» به ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که معانی آنها بدون ارجاع به عناصر دیگر قابل درک و تفسیر نیست. آنها شامل ضمائر، اسماء اشاره و اسم‌های موصولی هستند که انسجام دستوری را در متن نشان می‌دهند (خطابی، ۱۳۷۰ هـ.ش، ص ۱۸). به دو نوع «درون متنی» و «برون متنی» تقسیم می‌شود (دی بوجراند، ۱۹۹۸ م، ص ۳۲۰).

۲-۱-۱-۲. جایگزینی

یک عنصر جایگزین یک عنصر دیگر در متن می‌شود. هدف از جایگزینی پیوند دادن عناصر یک یا چند جمله در یک متن است. جانشینی علاوه بر ایجاد انسجام در متن، از تکرار بی مورد در متن نیز جلوگیری می‌کند (احمدی و استوار، ۱۳۹۰ هـ.ش، ص ۱۲).

۲-۱-۱-۳. حذف

حذف یک یا چند کلمه از یک جمله نسبت به جمله قبلی است. البته حذف یک رابطه معنایی بین عناصر متنی برقرار نمی‌کند، بلکه یک رابطه نحوی است که در آن یک عنصر حذف می‌شود (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶ هـ.ش، ص ۵۹).

۲-۱-۲. عناصر واژگانی

انسجام واژگانی با وجود واژگانی با شرایط مشابه و مرتبط رخ می‌دهد. انسجام زبانی کلمات یکی از عناصر اساسی در استفاده از زبان و ادبیات در هر کشوری است (صلحجو، ۱۳۹۱ هـ.ش، ص ۲۴).

۲-۱-۲-۱. تکرار

بخش مهمی از انسجام واژگانی با تکرار واژگان متنی شکل می‌گیرد (آقا گلزاده و افخمی، ۱۳۸۳ هـ.ش، ص ۱۲۸). تکرار به اشکال مختلفی مانند «مترادف»، «متضاد»، «شمول معنایی» و «روابط تمام جزئی» رخ می‌دهد (بلاوی وغفوریر، ۱۳۹۴ هـ.ش، ص ۶۵).

۲-۱-۲-۲. باهم آیی

در زبان شناسی، انسجام واژگانی رابطه بین کلماتی است که به حوزه معنایی خاصی تعلق دارند. چینش این واژه‌های مرتبط باعث ایجاد قوام در متن می‌شود (نک، آقا گلزاده، ۱۳۹۴ هـ.ش، ص ۲۸۸).

۳. روش تحلیل انسجام و کاربرد آن در متن

ابتدا متن به جملات ساده تقسیم می‌شود. سپس کلمات هر جمله بدون در نظر گرفتن حروف ربط و اضافات مانند حروف ربط، حروف اضافه و ... در کنار هم قرار می‌گیرند. سپس تمامی نمونه‌های جمع‌آوری شده در تحقیق استخراج می‌شوند. سپس نمونه‌های مربوطه در جداول با برچسب برابری و شباهت قرار می‌گیرند. در نهایت درصد نمونه‌های مربوطه نسبت به کل نمونه‌ها محاسبه می‌شود.

متن قصیده "فلسطينية في صوفيا"

«تعرفین جميع الفصول؟

تعرفین الحديث الطویل؟

عن غد ضائع في تواریخنا المرعبه تعرفین الذي أشتهي أن أقول؟

فارحمیني !

ارحمیني ..

ارحمي قامتي المتعبه !

لهجتي المتعبه

رايتي المتعبه
وتعالی .. نعيش أو نمت ،
ساعة في العناق
طال .. طال الفراق
وأنا عائد بعد حين للبلاد التي حزنها ياسمين
عائد .. للوثاق !»
(سميح القاسم ، ١٩٨٧م ، ص ٣٥٥-٣٥٤)

ترجمه:

"آيا شما همه فصل ها را می شناسيد؟
آيا صحبت طولانی را می دانيد؟
درباره فردای گمشده در تاريخ های وحشتناک ما می دانيد که من آرزو دارم
چه بگويم؟
پس به من رحم کن!
به من رحم کن..
به قامت خسته ام رحم کن!
لهجه خسته ام
پرچم خسته من
و بيا.. زندگی کنيم يا بميريم،
یک ساعت در آغوش
طولانی شد.. جدایی به درازا کشيد
و من بعد از مدتی به کشوری که غمش یاس است برمی گردم
باز می گردم. برای پیوستن!"»

متن قصیده "پنجره"

یک کلبه ی خراب و کمی پنجره
یک ذره آفتاب و کمی پنجره
ای کاش جای این همه دیوار و سنگ
آینه بود و آب و کمی پنجره
در این سیاه چال سراسر سوال
چشم و دلی مجاب و کمی پنجره
بویی ز نان و گل به همه می رسید
با برگی از کتاب و کمی پنجره
موسیقی سکوت شب و بوی سیب
یک قطعه شعر ناب و کمی پنجره
(امین پور، ۱۴۰۳ ه.ش، مجموعه اشعار/ پنجره)

۳-۱. تحلیل انسجام در قصیده «فلسطینیه فی صوفیا» از سمیع القاسم و «پنجره» از قیصر

در تحلیل انسجام و پیوستگی متن دو قصیده «فلسطینیه فی صوفیا» و «پنجره» - چنانکه در جدول ۲ و ۳ با عنوان عوامل انسجام در قصاید مذکور دیده میشود. تعداد کلّ این عوامل انسجامی در تحلیل قصیده «فلسطینیه فی صوفیا» از سمیع القاسم مجموعاً (۶۴) مورد؛ اما در قصیده «پنجره» از قیصر (۴۴) مورد است. تمام این عوامل در هر دو قصیده، بهصورت ستونی و عمودی با یکدیگر ارتباط دارند. در سمت راست جدولها، به ترتیب شماره جمله و سپس هریک از واژهها با توجه به شکل، به صورت تفکیک‌شده نوشته شده؛ تا رابطه هر واژه را با واژههای دیگر جملات - که در ردیفهای افقی بعدی وجود دارند - مشخص شده، و در زیر همان واژه و در یک ستون عمودی قرار گیرد.

جدول شماره ۲) عوامل انسجام واژگانی و دستوری در قصیده «فلسطينية في صوفيا»

ربطى	لفظى و كلامى	ذهنى	جميع الفصول	تعريفين	١
				(أنت)	١
الحديث الطويل				(أنت)	٢
				(تعريفين)	٣
غذ ضائع				(أنت)	٤
(هو)	تواريخنا المرعبة	نا			٥
				(أنت)	٦
		(أنا)			٧
		(أنا)			٨
		ي		(أنت)	٩
		ي		(أنت)	١٠
				(أنت)	١١
				(أنت)	١٢
				(أنت)	١٣
				(أنت)	١٤

	لفظی و کلامی	ذهنی	ربطی	
۱۵		(أنا)		
۱۶		(أنا)		
۱۷	(أنت)			
۱۸		العناق	(أنا)	ساعة
۱۹			الفراق	
۲۰			(الفراق)	
۲۱	الفراق	أنا		
۲۲				
۲۳		(أنا)		

ادامه جدول شماره ۲) عوامل انسجام واژگانی و دستوری در قصیده «فلسطینیة فی صوفیا»

	لفظی و کلامی	ذهنی	ربطی	
۱				
۲				
۳				
۴				
۵	یکون			

الوثاق	ربطى	ذهنى	لفظى و كلامى	الذي	٦
				أشتهى	٧
				أقول	٨
				فارحميني	٩
				ارحميني	١٠
			قامتي المتعبه	ارحمي	١١
			لهجتي المتعبه	(ارحمي)	١٢
			رايتي المتعبه	(ارحمي)	١٣
				تعالى	١٤
				نعش	١٥
				نمت	١٦
				(تعالى)	١٧
				(أكون)	١٨
				طال	١٩
				طال	٢٠
		البلاد		عائد	٢١
	ياسمين	حزنها		التي	٢٢ (يكون)
الوثاق				عائد	٢٣

جدول شماره ۳) عوامل انسجام واژگانی و دستوری در قصیده «پنجه»

جمله	لفظی و کلامی	ذهنی	ربطی و پیوندی
۱	(هست)	یک کلبه خراب	
۲	کمی (هست) پنجره		
۳	یک ذره (هست)	آفتاب	
۴	کمی (هست) پنجره		
۵		ای کاش (بود)	
۶		جایی این دیوار سنگ همه	
۷	کمی پنجره	بود آینه	آب
۹		(هست)	سیاه سؤال چال
۱۰	کمی پنجره	(بود)	چشم دلی محاب
۱۱	کمی پنجره	(بود)	

		ربطی و پیوندی										ذهنی	لفظی و کلامی	چشمی
	کل	نان							همه	می‌رسید				۱۲
	کتاب	برگی								(می‌رسید)			کمی پنجره	۱۳
										(بود)			موسیقی سکوت شب	۱۴
بوی														۱۵
سیب														۱۶
										(بود)			قطعه شعر ناب	۱۷
										(بود)			کمی پنجره	۱۷

همانگونه که در جدولهای فوق ملاحظه میشود، تمامی واژگان موجود در هر جمله ساده، به صورت تفکیک‌شده و افقی کنار هم گنجانده شده‌اند. به عنوان مثال، در قصیده «فلسطينية في صوفيا» جمله ۱ عبارت است از جمله «تعرفین جميع الفصول» ضمیر (انت) با دیگر ضمایر همسان خود در یک ستون قرار می‌گیرند؛ زیرا از لحاظ معنایی وابسته به همدیگر هستند. قابلیت‌وجه است که در تحلیل عوامل انسجام، واژگان محذوف نیز برگشته و در این جملات در نظر گرفته میشوند؛ بنابراین، در تقسیم‌بندی مصرعها به جملات ساده، باید کلمات محذوف را نیز برگردانید و محاسبه نمود؛ چرا که پیدا کردن

این کلمات و یا جملات تفسیری و توضیحی محذوف، در حقیقت مانند حلقه‌های مفقوده عمل میکند که با ذکر نمودن آنها در میان کل عناصر انسجام، بهتر میتوان به انسجام معنایی و میزان پیوستگی اجزای متن پیبرد. فعل جمله نیز در یک ستون جداگانه و مستقل قرار میگیرد. همانگونه که در جدول فوق ملاحظه میگردد افعال جملات قصیده عربی سمیع القاسم، بیشتر در فرایند مادی و ربطی جای گرفته‌اند که این موضوع باعث افزایش گذرایی متن در فرایند اندیشگانی شده و متن قصیده شاعر را به متنی قابل فهم و منسجم تبدیل کرده است. از طرفی، با نظر به اینکه فضای کلی قصیده دلالت بر کنش، خیزش و عمل انقلابی سمیع القاسم در جهت بهبود اوضاع سیاسی، اجتماعی در فضای خفقان و دیکتاتوری در کشور فلسطین دارد، استفاده از فرایند مادی و وجه اخباری معنادار و قابل توجه است.

در جملات شماره ۱ و ۲ و ۴ و ۷، واژه «تعرفین» تکرار شده که دیگر افعال تکراری در یک ستون عمودی و در یک مجموعه قرار میگیرند. افعال مذکور از دیدگاه زبانشناسی نظاممند نقشگرا، از یک فرایند، یعنی فرایند ذهنی به شمار میروند و در نتیجه، نوع ارتباط آنها با یکدیگر از نوع رابطه انسجامی تکرار به شمار میرود. در جمله شماره ۲۱، و ۲۳ واژه‌های «البلاد»، و «الوثاق» با دیگر واژه‌های بهکار رفته در ستونهای جدول تاکنون، هیچگونه ارتباطی ندارد؛ لذا در یک ستون مستقل و جداگانه قرار می‌گیرد.

موضوعات کاربست داده شده بر روی قصیده «فلسطینیه فی صوفیا»، عیناً بر روی قصیده «پنجره» از قیصر نیز اجرا شده است که با نظر به شرح و تحلیل مراحل مختلف و اصول نظری حاکم بر الگوی انسجام هلیدی و حسن (۱۹۸۵م) و کاربست کامل آن در متن قصیده «فلسطینیه فی صوفیا»، از تکرار توضیحات و مبانی نظری قبلی خودداری گردیده، و فقط به نقد و ارزیابی انسجام و عوامل آن در متن قصیده فارسی «پنجره» از قیصر امین پور، بر اساس جدول مربوطه اکتفا شده است.

در ادامه، روند کار بر همین منوال ادامه پیدا میکند تا جاییکه، تمامی واژگان

موجود در هر دو قصیده فارسی و عربی، به همین صورت در جدولها قرار گیرند و جدولها کاملاً تکمیل گردد.

برای درک بهتر جدولهای شماره (۲) و (۳)، که در بالا بدانها اشاره گردید، عوامل انسجامی را در جدول شماره (۴) و (۵) که در ذیل همین مبحث میآید، به صورت شفافتری و با وضوح بیشتری به خوانندگان ارائه نموده‌ایم. در جدول شماره (۴) و (۵) که به ترتیب حاصل ارتباط عوامل ایجادکننده انسجام دستوری و واژگانی در قصاید سمیع القاسم و قیصر هستند، عوامل انسجامبخش به همراه زیرمجموعه‌هایشان مشخص شده‌اند تا نوع ارتباط آنها به صورت ساده‌تر و دقیق‌تری بیان گردد. به عنوان نمونه، بر اساس جدول شماره (۲)، «کمی پنجره» در جمله شماره ۲، از زیر مجموعه‌های تکرار است. و یا فعل محذوف «است» که در جمله شماره ۱ وجود داشته و حذف گردیده است، زیر مجموعه عامل دستوری حذف قرار میگیرد.

از طرفی در قصیده قیصر نیز بر اساس جدول شماره (۳) که به تفکیک عناصر انسجام در متن قصیده قیصر پرداخته است، ترکیب "موسیقی سکوت شب" در جمله شماره (۱۴) با ترکیب "قطعه شعر ناب" در جمله شماره (۱۶) ارتباط هممعنایی دارد. و یا ترکیب "کمی پنجره" در جمله شماره (۲) با "کمی پنجره" در جمله‌های شماره (۴ و ۷ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۷) عامل انسجامی تکرار را به همراه دارد که از نوع ارتباط واژگانی و از عوامل مؤثر در شکلگیری انسجام واژگانی در متن قصیده فارسی قیصر است.

قابل ملاحظه است که در قصیده «فلسطينية في صوفيا»، عامل "نامگذاری" وجود ندارد و برای عنصر واژگانی "نامگذاری" نمونه‌ای در متن قصیده عربی یافت نشده است؛ اما در زمینه ارجاع، جایگزینی و حذف، قصیده سمیع القاسم هژمونی انسجامی بیشتری یافته است که این موضوع به قدرت اشتقاقپذیری زبان عربی برمیگردد که حذف و ارجاع و بدلیت در آن نمود بیشتری نسبت به زبان فارسی دارد. همانگونه که ملاحظه میشود، تمام عوامل انسجامبخش و نوع ارتباط دستوری و

واژگانی آنها در هر دو قصیده، در قالب جدولهای شماره ۴ و ۵ دسته بندی مشخص گردیده است. جدول شماره ۴) نمودار روابط انسجامی در قصیده سمیع القاسم و جدول شماره ۵ نیز نشان دهنده نوع ارتباط ابزارهای انسجام و روابط انسجامی آنها در متن قصیده قیصر است:

جدول شماره ۴) روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در قصیده «فلسطينية في صوفيا»

عوامل انسجام دستوری	ارجاع
	ضمير أنتِ در جمله (۱) در (تعرفین) به «فلسطينية في صوفيا» در عنوان قصیده / ضمير مستتر أنتِ در جمله (۲) در (تعرفین) به «فلسطينية في صوفيا» در عنوان قصیده / ضمير مستتر أنتِ در جمله (۳) در (تعرفین) به «فلسطينية في صوفيا» در عنوان قصیده / ضمير مستتر أنتِ در جمله (۴) در (تعرفین) به «فلسطينية في صوفيا» در عنوان قصیده / ضمير مستتر أنتِ در جمله (۶) در (تعرفین) به «فلسطينية في صوفيا» در عنوان قصیده / ضمير مستتر أنتِ در جمله (۷) در (أشتهي) به شاعر محذوف در سياق کلام / ضمير مستتر أنا در جمله (۸) در (أقول) به شاعر محذوف در سياق کلام / ضمير ي در جمله (۹) در (فارحميني) به شاعر محذوف در سياق کلام / ضمير مستتر أنتِ در جمله (۹) در (فارحميني) به «فلسطينية في صوفيا» در عنوان قصیده / ضمير ي در جمله (۱۰) در (ارحميني) به شاعر محذوف در سياق کلام / ضمير مستتر أنتِ در جمله (۱۰) در (ارحميني) به «فلسطينية في صوفيا» در عنوان قصیده / ضمير ي در جمله (۱۱) در (قامتي المتعبه) به شاعر محذوف در سياق کلام / ضمير ي در جمله (۱۲) در (لهجتي المتعبه) به شاعر محذوف در سياق کلام / ضمير ي در جمله (۱۳) در (رايتي المتعبه) به شاعر محذوف در سياق کلام / ضمير مستتر أنتِ در جمله (۱۱) در (ارحمي) به «فلسطينية في صوفيا» در عنوان قصیده / ضمير مستتر أنتِ در جمله (۱۲) در (ارحمي) به «فلسطينية في صوفيا» در عنوان قصیده / ضمير مستتر أنتِ در جمله (۱۳) در (ارحمي) به «فلسطينية في صوفيا» در عنوان قصیده / ضمير مستتر أنتِ در جمله (۱۴) در (تعالی) به «فلسطينية في صوفيا» در عنوان قصیده / ضمير مستتر نحن در جمله (۱۴) در (تعالی) به «فلسطينية في صوفيا» در عنوان قصیده / ضمير مستتر نحن در جمله (۱۵) در (نعش) به «شاعر و فلسطينية في صوفيا» / ضمير مستتر نحن در جمله (۱۶) در (نمت) به «شاعر و فلسطينية في صوفيا» / ضمير مستتر أنتِ در جمله (۱۷) در (تعالی) به «فلسطينية في صوفيا» در عنوان قصیده / ضمير مستتر نحن در جمله (۱۸) در (نکون) به «شاعر و فلسطينية في صوفيا» / ضمير أنا در جمله (۲۱) در (أنا عائِدٌ) به شاعر محذوف در سياق کلام / ضمير ها در جمله (۲۲) در (حزنها) به «البلاد» / ضمير أنا در جمله (۲۳) در (عائِدٌ) به شاعر محذوف در سياق کلام

عوامل انسجام دستوری	جانشینی و حذف	أَنْتِ در جمله (۱) در (تعرفین) / أَنْتِ در جمله (۲) در (تعرفین) / أَنْتِ در جمله (۳) در (تعرفین) / أَنْتِ در جمله (۴) در (تعرفین) / أَنْتِ در جمله (۶) در (تعرفین) / أنا در جمله (۷) در (أشتهی) / أنا در جمله (۸) در (أقول) / ضمیر ی در جمله (۹) در (فارحمینی) / أَنْتِ در جمله (۹) در (فارحمینی) / ضمیر ی در جمله (۱۰) در (ارحمینی) / أَنْتِ در جمله (۱۰) در (ارحمینی) / ضمیر ی در جمله (۱۱) در (قأمتی المتعبه) / ضمیر ی در جمله (۱۲) در (لهجتي المتعبه) / ضمیر ی در جمله (۱۳) در (رایتی المتعبه) / ضمیر أَنْتِ در جمله (۱۱) در (ارحمی) / أَنْتِ در جمله (۱۲) در (ارحمی) / ضمیر مستتر أَنْتِ در جمله (۱۴) در (تعالی) / ضمیر مستتر نحن در جمله (۱۵) در (نعش) / ضمیر مستتر نحن در جمله (۱۶) در (نمت) / ضمیر مستتر أَنْتِ در جمله (۱۷) در (تعالی) / ضمیر مستتر نحن در جمله (۱۸) در (نکون) / ضمیر أنا در جمله (۲۱) در (أنا عائذُ) / ضمیر ها در جمله (۲۲) در (حزنها) / ضمیر أنا در جمله (۲۳) در (عائذُ) (نکون) (۱۸) (یکون) (۲۲)
---------------------------	---------------------	--

تعرفين (١)، (٢)، (٣)، (٤)، (٦) / ارحميني (٩)، (١٠) / ارحمي (١١)، (١٢)، (١٣) / طال (١٩)، (٢٠) / عائذ (٢١)، (٢٣) / المتعبه (١١)، (١٢)، (١٣) / تعالي (١٤)، (١٧) / ضمير «أنتِ» (١)، (٢)، (٣)، (٤)، (٦)، (٩)، (١٠)، (١٢)، (١٣)، (١٤)، (١٧) / ضمير «ي» (٩)، (١٠)، (١١)، (١٢)، (١٣) / ضمير «أنا» (٧)، (٨)، (٢١)، (٢٣) / ضمير «نحن» (١٥)، (١٦)، (١٨)	تكرار
ارحميني (٩)، ارحمي (١١)	هم معنايى
نعش (١٥)، نمت (١٦)	تضاد معنايى
غد ضائع (٤) تواريخنا المرعبه (٥) / قامتي المتعبه (١١) لهجتي المتعبه (١٢) / رايتي المتعبه (١٣)، العناق (١٨)، لفراق (١٩) / ساعة (١٨)، البلاد (٢١) / حزنها ياسمين (٢٣)، الوثائق (٢٣) / فرايند لفظي / أشتهى (٧)، أقول (٨)، فارحميني (٩)، ارحميني (١٠)، ارحمي (١١)، تعالي (١٤)، نعش (١٥)، نمت (١٦)، (تعالي (١٧)، طال (١٩)، (٢٠) عائذ (٢١)، (٢٣)، فرايند ذهني / تعرفين (١)، (٢)، (٤)، (٦) فرايند ربطى / يكون (٥)، (نكون) (١٨) (يكون) (٢٢) /	عوامل انسجام واژگانی جزء و کل
قامتي المتعبه (١١) لهجتي المتعبه (١٢) / رايتي المتعبه (١٣)	برابري ارحميني (٩) ارحمي (١١)
نامگذاری	نامگذاری
تعرفين (١)، (٢)، (٣)، (٤)، (٦) / ارحميني (٩)، (١٠) / ارحمي (١١)، (١٢)، (١٣) / طال (١٩)، (٢٠) / عائذ (٢١)، (٢٣) / المتعبه (١١)، (١٢)، (١٣) / تعالي (١٤)، (١٧) / ضمير «أنتِ» (١)، (٢)، (٣)، (٤)، (٦)، (٩)، (١٠)، (١٢)، (١٣)، (١٤)، (١٧) / ضمير «ي» (٩)، (١٠)، (١١)، (١٢)، (١٣) / ضمير «أنا» (٧)، (٨)، (٢١)، (٢٣) / ضمير «نحن» (١٥)، (١٦)، (١٨)	تشابه

جدول شماره ۵) روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در قصیده «پنجره»

عوامل	ارجاع	
انسجام دستوری	جانشینی و حذف	(هست) (۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۹) / (بود) (۵)، (۸)، (۱۴)، (۱۶)، (۱۷) / می‌رسید (۱۳)
عوامل انسجام واژگانی	تکرار	کمی پنجره (۲)، (۴)، (۸)، (۱۱)، (۱۳)، (۱۷) / یک (۱)، (۳) / بود (۵)، (۷)، (۸)، (۱۴)، (۱۶)، (۱۷)
	هممعنایی	گل (۱۲) برگ (۱۳) / موسیقی سکوت شب (۱۴) یک قطعه شعر ناب (۱۶) چشم (۱۰) دلی (۱۰) / یک ذره (۲) کمی (۳)
	تضاد معنایی	کمی (۲)، (۴)، (۸)، (۱۱)، (۱۳) همه (۶)، (۱۲) / بود (۵)، (۷)، (۸)، (۱۴)، (۱۶)، (۱۷) (هست) (۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۹)، یک کلبه (۱)، خراب (۱)، کمی پنجره (۲)، (۴)، (۸)، (۱۱)، (۱۳)، یک ذره (۳)، آفتاب (۳)، همه (۶)، (۱۲)، ای کاش (۵)، بود (۵)، (۷)، (۸)، (۱۴)، (۱۶)، (۱۷) (هست) (۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۹) جای (۶)، دیوار (۶)، سنگ (۶)، آینه (۷)، آب (۸)، سیاه چال (۹)، سؤال (۹)، چشم (۱۰)، دلی (۱۰)، مجاب (۱۰)، نان (۱۲)، گل (۱۷)، برگ (۱۳)، کتاب (۱۳)، موسیقی سکوت شب (۱۴)، بوی سیب (۱۵)، قطعه شعر ناب (۱۶)، (۱۱)، فرایند لفظی و کلامی (هست) (۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۹) می‌رسید (۱۳) / (بود) (۵)، (۸)، (۱۴)، (۱۶)، (۱۷)
	برابری	
	نامگذاری	تکرار پنجره در جمله‌های (۲)، (۴)، (۸)، (۱۱)، (۱۳)، و در عنوان
	تشابه	کمی پنجره (۲)، (۴)، (۸)، (۱۱)، (۱۳)، (۱۷) / یک (۱)، (۳) / بود (۵)، (۷)، (۸)، (۱۴)، (۱۶)، (۱۷)

در ادامه، با قراردادن عوامل انسجام بخش هر دو قصیده فارسی و عربی، در زنجیره هایی به نام یکسانی و شباهت، میتوان نمونه های مرتبط و دارای هم زنجیره را محاسبه نمود که در زیر به ترتیب، ابتدا زنجیره های یک سانی قصیده سمیح القاسم و سپس زنجیره های یکسانی و تشابه قصیده قیصر به طور مجزا ارائه گردیده است.

در این مرحله، مطابق جدولهای شماره ۶ و ۷ که در زیر آمده، عوامل ایجادکننده انسجام در زنجیره هایی به نام یکسانی و شباهت قرار داده شده و نمونه های مرتبط را در این مرحله محاسبه می کنیم. قابل ذکر است که بر اساس نظریه انسجام هالیدی و حسن (۱۹۸۵م)، عوامل انسجام دستوری در زیر مجموعه زنجیره های یکسانی و عوامل انسجام واژگانی، جزء زنجیره های شباهت قرار می گیرند. در این مرحله، تنها عوامل انسجامی که در یک زنجیره (ستون) حداقل دو عضو داشته باشند، شرکت میکنند. همان گونه که در جدول شماره ۲ ملاحظه می گردد (۱۰) نمونه بدون همزنجیره، در جمله های شماره ۱: «جميع الفصول»، و شماره ۲: «الحديث الطويل»، و شماره ۵: «تواريخنا المربعة»، و شماره ۱۸: «العناق»، و «الساعة»، و شماره ۲۱: «الفراق»، و «البلاد»، شماره ۲۲: «ياسمين»، و «حزنها»، و شماره ۲۳: «الوثاق»، وجود دارد که نمونه های جنبی نامیده می شوند. این نمونه های ناسازگار و بی هم زنجیره که تعامل معنایی و ارتباطی با دیگر عوامل انسجامی برقرار نکرده اند، بهنوعی سبب شکاف بیشتر در قصیده سمیح القاسم گشته و قدری از قدرت انسجامی آن کاست هاند؛ اما دیگر نمونه های انسجامی موجود در قصیده سمیح القاسم، همگی دارای هم زنجیره بوده و با دیگر نمونه ها «گره» (Tie) تشکیل داده اند. قابل ذکر است که در جدول های شماره ۶ و ۷ تمامی نمونه های بیهم زنجیره حذف خواهند شد.

در جدول های شماره ۲ و ۳ ارتباط عوامل انسجامی به صورت ستونی نشان داده شده است. واژگانی که در جدول های شماره ۴ و ۵ جزء عوامل انسجام دستوری

هستند، در جدول‌های شماره ۶ و ۷ در زنجیره یکسانی با علامت اختصاری «ی» مشخص شده‌اند و واژگان دیگری که زیرمجموعه عوامل انسجام واژگانی هستند، در زنجیره شباهت با علامت اختصاری «ش» در جدول قرار می‌گیرند. اگر میان واژگان، هم رابطه یکسانی و هم رابطه شباهت وجود داشته باشد، در آن صورت، زیر علامت اختصاری «ی/ش» نوشته شده‌اند. این مسأله به ما کمک میکند تا دریابیم که میزان عوامل انسجام دستوری و واژگانی در هر متن چقدر است. بر اساس جدول‌های شماره ۶ و ۷، تعداد نمونه‌های مرتبط-عوامل انسجامی هم‌زنجیره-به ترتیب، در متن قصیده عربی سمیع القاسم (۵۰) مورد و در قصیده فارسی قیصر (۲۹) مورد بررسی شده است. با این توصیفات، (۱۰) واژه یا عامل در متن قصیده «فلسطينية في صوفيا» وجود داشته که تعامل زنجیره‌ای با دیگر واژگان نداشته و نتوانسته‌اند با دیگر عناصر قصیده، ارتباط انسجامی برقرار نمایند، به عبارتی «گره» (Tie) تشکیل دهند. در مقابل در قصیده «پنجره» حدود ۱۵ نمونه جنبی و یا بیهم‌زنجیره و فاقد ارتباط انسجامی تشخیص داده شد. لذا تعداد عناصر بیگانه با متن در قصیده فارسی قیصر بیشتر از قصیده سمیع القاسم است که این موضوع خود نمودار شکاف درونی بیشتر قصیده قیصر و فقدان عناصر انسجام بخش در متن قصیده است که از یکپارچگی و انسجام آن به مراتب کاسته است:

جدول شماره ۶) زنجیره‌های یکسانی و شباهت در متن قصیده «فلسطينية في صوفيا»

ش	ی/ش	ی	ی/ش	ش	ش	ی/ش	ی/ش	ی/ش	ش
۱	تعرفین	(أنت)							
۲	تعرفین	(أنت)							
۳	) تعرفین	(أنت)							

ش	ي/ش	ي	ي/ش	ش	ش	ي/ش	ي/ش	ي/ش	ش
٤	تعرفين	(أنت)	غد ضائع						
٥			نا	(هو)	يكون				
٦	تعرفين	(أنت)			الذي				
٧		(أنا)	أشتهى						
٨		(أنا)	أقول						
٩	(أنت)	ي	فارحميني						
١٠	(أنت)	ي	ارحميني						
١١	(أنت)		ارحمي	قامتي المتعبه					
١٢	(أنت)		(ارحمي)	لهجتي المتعبه					
١٣	(أنت)		(ارحمي)	رايتي المتعبه					
١٤	(أنت)		تعالى						
١٥		(أنا)	نعش						
١٦		(أنا)	نمت						
١٧	(أنت)		(تعالى)						
١٨		(أنا)	(أكون)						
١٩			طال	الفراق					
٢٠			طال	) (الفراق					

ش	ی/ش	ی	ی/ش	ش	ش	ی/ش	ی/ش	ی/ش	جمله
	عائد					أنا			۲۱
		التي	(یکون)						۲۲
	عائد					(أنا)			۲۳

جدول شماره ۷) زنجیره‌های یکسانی و شباهت در قصیده فارسی «پنجره»

ش	ش	ش	ی/ش	ش	ش	ی/ش	جمله
						(هست)	۱
					کمی پنجره	(هست)	۲
					یک ذره	(هست)	۳
					کمی پنجره	(هست)	۴
			(بود)				۵
	این همه	جای					۶
			بود				۷
			(بود)		کمی پنجره		۸
			(هست)				۹
			(بود)				۱۰
			(بود)		کمی پنجره		۱۱
گل	همه	می‌رسید					۱۲
برگی		(می رسید)			کمی پنجره		۱۳
			(بود)	موسیقی سکوتِ شب			۱۴
							۱۵

جمله	ی/ش	ش	ی/ش	ش	ش	ش
۱۶			قطعه شعر ناب	(بود)		
۱۷	کمی پنجره		(بود)			

با نظر به اصول و مبانی نظری که قبلاً ارائه گردید، اکنون به صورت عملی و کاربردی می‌توان انسجام و میزان آن را در متن قصیده عربی «فلسطينية في صوفيا» از سمیع القاسم و قصیده فارسی «پنجره» از قیصر امین پور را بررسی و محاسبه تطبیقی کرد. برای تعیین میزان انسجام در متن هر کدام از دو قصیده، لازم است تا درصد نمونه‌های مرتبط - دارای هم‌زنجیره با دیگر عوامل - را نسبت به کل نمونه‌ها بسنجیم. کل نمونه‌ها، همان عوامل شرکت‌کننده در جدول شماره ۲ و ۳ هستند. نمونه‌های مرتبط نیز شامل عوامل انسجام‌یای هستند که در جدول شماره ۶ و ۷ به‌ترتیب در متن قصیده سمیع القاسم و قیصر نشان داده شده و با دیگر واژه‌ها دارای ارتباط هستند. نمونه‌های جنبی نیز عبارتند از واژگانی که در جدول شماره ۶ و ۷ دیده می‌شوند. بر اساس جدول شماره ۲، کل نمونه‌ها در قصیده «فلسطينية في صوفيا»، (۶۴) مورد است. نمونه‌های مرتبط نیز (۵۴) مورد و نمونه‌های جنبی هم (۱۰) مورد هستند که به‌ترتیب در جمله‌های شماره ۱ «جميع الفصول»، و شماره ۲: «الحديث الطويل»، و شماره ۵: «تواريخنا المربعة»، و شماره ۱۸: «العناق»، و «الساعة»، و شماره ۲۱: «الفراق»، و «البلاد»، شماره ۲۲: «یاسمین»، و «حزنه‌ها»، و شماره ۲۳: «الوثاق»، در جدول قابل ملاحظه هستند.

در مقابل، بر اساس جدول شماره ۳، کل نمونه‌ها در قصیده فارسی قیصر «پنجره» (۴۴) مورد است که نمونه‌های مرتبط و دارای هم‌زنجیره آن، مطابق جدول شماره ۵ که در بالا نمایش داده شده، (۲۹) مورد، و نمونه‌های جنبی آن نیز (۱۵) مورد است که عبارتند از: «یک کلبه» و «خراب» در جمله شماره (۱)، «آفتاب» در جمله شماره (۳) و «ای کاش» در جمله شماره (۵) و «دیوار» و «سنگ» در جمله شماره (۶) و «آینه» در جمله شماره (۷)، «آب» در جمله شماره (۸) و «سیاه چال» و «سؤال»

در جمله شماره (۸) و «چشم» و «دلی» در جمله شماره (۱۰) و «نان» در جمله شماره (۱۲)، و «کتاب» در جمله شماره (۱۳) و «بوی سیب» در جمله شماره (۱۵) بر همین اساس، انسجام قصیده «فلسطینیه فی صوفیا»، یعنی نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها ۸۴/۳۳٪ است در مقابل، انسجام و هماهنگی انسجامی در متن قصیده فارسی «پنجره» از قیصر امین پور، ۶۵/۹۰٪ است که بسامد انسجامی بسیار کمتری را نسبت به قصیده سمیع القاسم یافته است و کاهشی در حدود ۱۸,۴۳ درصد را نشان می‌دهد.

با نظر به این که هدف از این پژوهش عمدتاً تعیین میزان کمی انسجام و نشان دادن عناصر انسجام دهنده آن و نیز بیان درصد اختلاف انسجام در متن هر دو قصیده فارسی و عربی است و به طور کلی، مقایسه نسبت کمی انسجام متن در آنها مقصود بوده است نه کیفیت و نقد وجوه تشابه و اختلاف دو قصیده؛ لذا به نظر می‌رسد که روش آماری و تحلیل کمی موضوعات و کاراکترهای انسجام دهنده متن، بیش از روش ادبی کارساز باشد. چرا که روش آماری در تجزیه و تحلیل موضوعات، نسبت به روش ادبی، روش دقیق‌تر و مطمئن‌تری است.

در این بخش از مقاله، بر اساس روابط عوامل انسجامی در هر دو قصیده فارسی و عربی، به بررسی و تطبیق کمی میزان انسجام دو قصیده و نوع ابزارهای این انسجام بخشی پرداخته شده است. لذا با استفاده از روش‌های آماری «توزیع فراوانی و درصد»، بسامد هر یک از عوامل دستوری و واژگانی در هر دو قصیده فارسی و عربی با ذکر کمیت دقیق آنها، در مقایسه با یکدیگر محاسبه گردیده و در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره ۸) توزیع فراوانی و درصد عوامل انسجامی در قصیده عربی «فلسطينية في صوفيا» و قصیده فارسی «پنجره»

نام قصیده	فراوانی / درصد	عوامل دستوری		عوامل واژگانی					
		ارجاع	جانشینی و حذف	تکرار	جزء و کل	هم معنایی	تضاد معنایی	برابری	تشابه
قصیده عربی	فراوانی عوامل	۲۶	۲۷	۴۲	۳۱	۷	۱	۲	۲۲
«فلسطينية في صوفيا»	درصد	٪۱۶/۴۵	٪۱۷/۰۸	٪۵۸/۲۶	٪۱۹/۶۲	٪۴/۴۳	٪۰/۶۳	٪۱/۲۶	٪۱۳/۹۲
قصیده «فلسطينية في صوفيا»	درصد کلی ۱۵۸	٪۳۳/۵۳		٪۶۶/۴۷					

نام قصیده	فراوانی / درصد	عوامل دستوری		عوامل واژگانی					
		ارجاع	جانشینی و حذف	تکرار	جزء و کل	هم معنایی	تضاد معنایی	برابری	تشابه
قصیده فارسی	فراوانی عوامل	۰	۱۱	۱۴	۵۰	۴	۹	۰	۷
«پنجره»	درصد	۰	٪۱۱/۴۵	٪۱۴/۵۸	٪۰۸/۵۲	٪۴/۱۶	٪۹/۳۷	۰	٪۷/۲۹
قصیده «پنجره»	درصد کلی	٪۱۱/۴۵		٪۸۸/۵۲					

با تأمل در جدول شماره ۸، میبینیم که نسبت عوامل واژگانی به دستوری در متن هر دو قصیده فارسی و عربی، در حدّ قابل توجّهی بالاتر است. در قصیده عربی سمیع القاسم، در میان عوامل دستوری، ارجاع ۲۶ بار، و جانشینی و حذف مجموعاً ۲۷ بار به کار رفته است. از میان عوامل واژگانی نیز جزء و کل ۳۱ بار و تکرار ۴۲ بار به ترتیب بیشترین بسامدها را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، تشابه، تضاد، برابری و هممعنایی کمتر استعمال یافته و یا نامگذاری در متن قصیده «فلسطينية في صوفيا»

صوفیا" اساساً به کار نرفته است.

از طرفی دیگر، با مروری کوتاه بر قصیده فارسی قیصر در مقابل قصیده عربی سمیع القاسم، میتوان گفت که میزان بسامد عوامل انسجام واژگانی تقریباً دو برابر بسامد عوامل دستوری است. در مقابل، عامل ارجاع در مقایسه با قصیده عربی سمیع القاسم، اصلاً به کار نرفته و لذا این موضوع سبب شده تا در مجموع از نسبت انسجامی پایینتری نسبت به قصیده سمیع القاسم برخوردار باشد.

در میان عوامل واژگانی در قصیده فارسی، جزء و کُل ۵۰ و نیز تکرار ۱۴، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. پس از جزء و کُل و تکرار، تضاد معنایی و تشابه بیشترین بسامد را در عوامل واژگانی به خود اختصاص داده‌اند. نامگذاری در متن قصیده "پنجره" برخلاف قصیده "فلسطینیه فی صوفیا" هم در عنوان قصیده و هم در متن موجب انسجام و هماهنگی در قصیده شده است. با مقایسه عوامل انسجام دستوری و واژگانی، قابل ملاحظه است که بسامد هر دو عامل، در قصیده عربی بیش از قصیده فارسی است. این موضوع، غالباً به سبب پیچیدگی‌های نحوی و ساختاری و اشتقاقیات لغوی زبان عربی است که نسبت به زبان فارسی نمود بیشتری دارد. از طرفی، سادگی بیان نحوی و روانی و سهولت ساختاری آن موجبات انسجام معنایی بیشتر این زبان را فراهم آورده است. تا جایی که، در این مطالعه موردی، قصیده سمیع القاسم در جایگاه بالاتری از منظر میزان انسجام نشسته است.

گفتنی است که عامل ارجاع، علاوه بر میزان قابل توجهی از انسجام‌بخشی به یک متن، می‌تواند توجه خواننده را از راه پیگیری مرجع ضمائر، به محورهای اصلی و فرعی قصیده "فلسطینیه فی صوفیا" رهنمون سازد. عوامل جانشینی و حذف نیز مشترکاً، علاوه بر انسجام‌بخشی به متن از تکرار نابجا در متن که سبب دلزدگی خواننده نیز می‌شود، جلوگیری می‌نمایند، همچنان که جایگزینی نیز می‌تواند در ایجاز کلام مؤثر باشد.

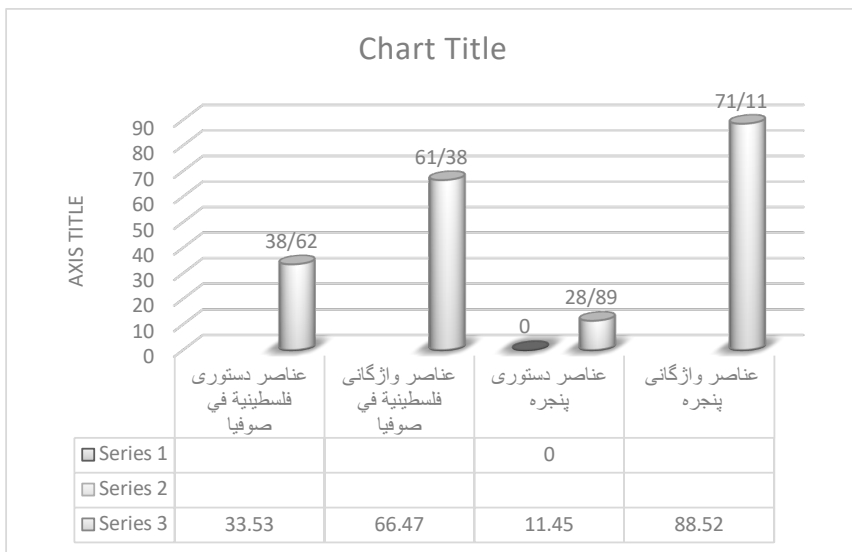
تکرار که در متون قدیم نوعی اطناب به‌شمار می‌رفته است، در متون معاصر

نقش بیدیلی در ایجاد استحکام و انسجام معنایی متون ایفا میکند. این موضوع در قصیده عربی به مراتب بیشتر از قصیده فارسی به انسجام متن منجر شده است.

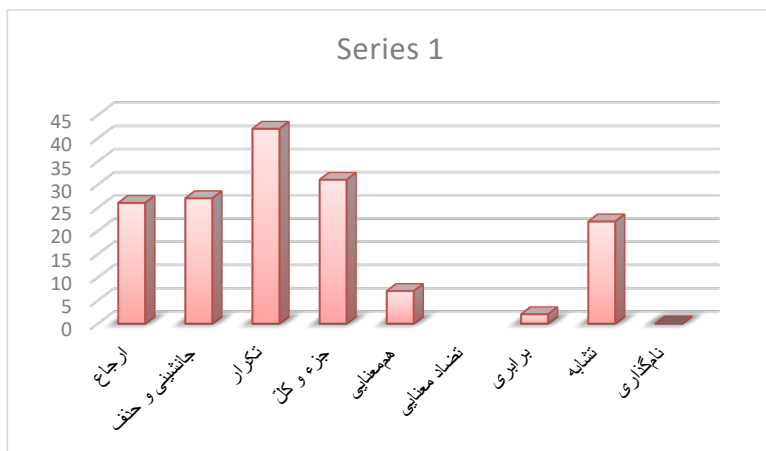
جدول شماره ۹) توزیع فراوانی و درصد نمونه‌ها در قصیده عربی «فلسطينية في صوفيا» و قصیده فارسی «پنجره»

متن	کُل نمونه‌ها	نمونه‌های مرتبط	نمونه‌های جنبی	نسبت نمونه‌های مرتبط به کُل نمونه‌ها
قصیده عربی «فلسطينية في صوفيا»	۶۴	۵۴	۱۰	۸۴/۳۷٪
قصیده فارسی «پنجره»	۴۴	۲۹	۱۵	۶۵/۹۰٪

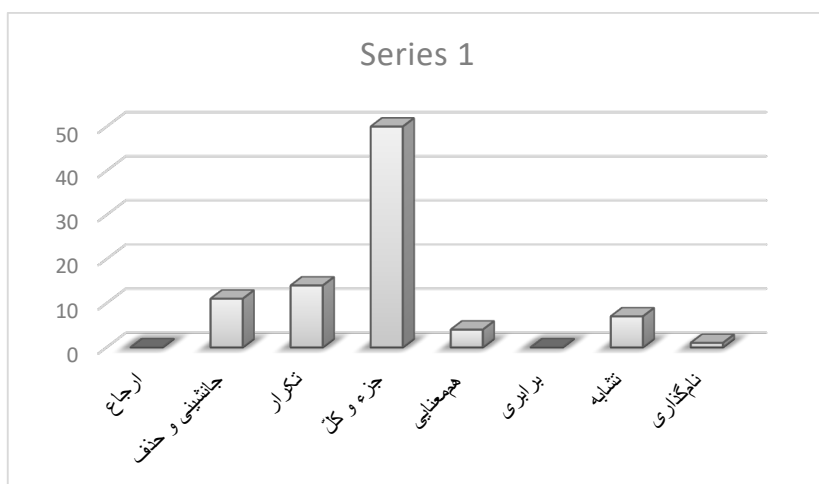
مودار شماره ۱۰) توزیع فراوانی و درصد عناصر دستوری و واژگانی در قصیده عربی «فلسطينية في صوفيا» و قصیده فارسی «پنجره»



نمودار شماره ۱۱) فراوانی کلی کاربرد ابزارهای انسجام در متن قصیده عربی «فلسطينية في صوفيا»



نمودار شماره ۱۲) فراوانی کلی کاربرد ابزارهای انسجام در متن قصیده فارسی «پنجره»



۴. نتیجه

در قصیده عربی «فلسطينية في صوفيا»، از مجموع کل ۶۴ نمونه پژوهش شده، ۵۴ نمونه مرتبط و دارای هم‌زنجیره بوده و ۱۰ نمونه جانبی و غیر مرتبط دیده می‌شود که تعامل زنجیره‌ای با عوامل دیگر نداشتند. بر همین اساس، انسجام قصیده عربی

«فلسطينية في صوفيا»، ۸۴/۳۷ درصد است. این رقم نشان می‌دهد که قصیده عربی «فلسطينية في صوفيا»، از انسجام بالایی برخوردار بوده و نسبتاً منسجم است و تنها چیزی در حدود ۱۵,۶۳ درصد تعامل واژگانی نداشته و نامنسجم است. قصیده فارسی «پنجره» از قیصر امین پور نیز از مجموع کل نمونه های قصیده که ۴۴ مورد شمارش شده، نمونه های مرتبط، ۲۹ مورد، و نمونه های جنبی ۱۵ مورد است که بر این اساس، انسجام در متن قصیده فارسی قیصر، ۶۵/۹۰ درصد است. همانگونه که ملاحظه گردید، بسامد تعامل واژگانی الفاظ، به عبارتی انسجام در قصیده عربی سمیع القاسم بیشتر از قصیده فارسی قیصر است و تفاوتی حدود ۱۸,۴۷ درصد را نشان می‌دهد. بر همین اساس، میتوان گفت که سمیع القاسم در قدرت گزینش و تلفیق واژه‌ها و جملها بهتر عمل کرده تا جایی که، قصیده‌هاش در مقایسه با قصیده قیصر، منسجمتر و جملها و عباراتش درهم‌تنیده‌تر و بیشتر به هم مرتبط است. شگردهای ایجاد انسجام متن در دو بعد دستوری و واژگانی در قصیده سمیع شایان توجه است. قصیده عربی «فلسطينية في صوفيا»، تمامی عوامل انسجام را داراست و تنها عامل «نامگذاری» در متن قصیده عربی، یافت نشده است. اما قصیده فارسی «پنجره» از قیصر امین پور فاقد عامل انسجامی ارجاع بود و این نکته مهمترین عامل در کاهش انسجام در قصیده قیصر است. ضعف قیصر در عامل انسجام دستوری ارجاع سبب شده است تا قصیده سمیع از انسجام بیشتری برخوردار باشد. فراوانی استفاده از ارجاع به ماقبل در شعر سمیع که سراسر قصیده‌هاش را به عنوان یک کل منسجم به هم وصل نموده سبب شده است تا از انسجام به مراتب بیشتری نسبت به قصیده قیصر برخوردار باشد. با مقایسه عوامل انسجام دستوری قابل ملاحظه است که بسامد عامل جانشینی و حذف، در قصیده عربی بیشتر از قصیده فارسی است. و این موضوع غالباً به سبب حذف ضمیر در افعال زبان عربی است که بیشتر رخ می‌دهد.

سایر عوامل انسجام غیر ساختاری با تفاوتها و شباهتهایی در متن قصاید حضور

دارند. عامل دستوری ارجاع و جاشینی و عامل واژگانی تشابه در متن قصیده عربی، پس از عوامل واژگانی تکرار و جزء و کل، بالاترین بسامد را در جایگاه دوم و سوم یافته است؛ اما در متن قصیده فارسی عامل واژگانی جزء و کل بسامد بالاتری یافته و پس از آن، عوامل تکرار و جانشینی جایگاه دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. در مجموع، عناصر واژگانی قصیده عربی، بهمراتب بیشتر از عوامل واژگانی قصیده فارسی است. به طور کلی، انسجام متن قصیده عربی از قصیده فارسی بیشتر است. قصیده عربی ۱۵,۶۳ درصد نامنسجم است؛ اما قصیده فارسی ۳۴,۱ درصد نامنسجم بوده و تعامل واژگانی ندارد. میتوان گفت که عامل دستوری ارجاع و عامل واژگانی تکرار بیشترین تأثیرات را در انسجام بخشی به قصیده عربی سمیع القاسم داشته‌اند و سبب شده‌اند که به مراتب انسجام بیشتری نسبت به قصیده فارسی داشته باشد. این در حالیست که قصیده فارسی اصلاً ارجاع نداشته است و از نظر عنصر واژگانی تکرار نیز چندان قوی نیست.

قصیده سمیع القاسم از تکرار افعال مشابه بیشتری نسبت به قصیده قیصر استفاده کرده است که در قالب این افعال ضمیر مستتر نیز به ما قبل ارجاع داده شده است؛ به عنوان نمونه ضمیر (أنت) در افعال (تعریف) به عنوان قصیده یعنی «فلسطينية في صوفيا» ارجاع داده شده و کلی منسجم را منجر شده است؛ اما در قصیده فارسی قیصر این افعال غالباً به قرینه صارفه ودلالت سیاق حذف شده‌اند و شاعر غالباً یک قصیده بسته را تقدیم مخاطب کرده است. بنابر این، قصیده فارسی قیصر از فعل و انفعالات و تحرک بسیار کمتری نسبت به قصیده سمیع برخوردار است؛ این فراوانی افعال موجب بروز تحرک و دینامیکیت در شعر سمیع القاسم شده است.

منابع و مآخذ

عربی:

- خطابی، محمد، (۱۹۹۱م)، لسانیات النص مدخل إلى انسجام الخطاب، المغرب: المركز الثقافي العربي.
- دی بوجراند، (۱۹۹۸م)، النص والخطاب والإجراء، ترجمة تمام حسان، ط ۱، القاهرة: عالم الكتب.
- القاسم، سمیح، (۱۹۸۷م)، الديوان، بيروت: دارالعودة.

فارسی:

- آقاگلزاده، فردوس، (۱۳۹۴ه.ش)، تحلیل گفتمان انتقادی، چ ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آقاگل زاده، فردوس؛ وعلی افخمی، (۱۳۸۳ه.ش)، «زبان‌شناسی متن و رویکردهای آن»، مجله زبان‌شناسی، سال ۱۹، شماره اول، ص ۸۹-۱۰۳
- احمدی، علی رضا؛ واصلان استواری، (۱۳۹۰ه.ش)، «انسجام متنی ابزاری زبان‌شناسی برای شناخت سبک های ادبیات فارسی»، دوفصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، سال ۲، شماره ۳، بهار و تابستان، ص ۲۰-۷.
- امرائی، محمدحسن؛ و غلامعباس هفتادر رضایی؛ و محمد تقی زند وکیلی (۱۳۹۶ه.ش)، «ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حدّاد عادل بر اساس نظریه هالیدی و حسن، (۱۹۸۵م)»، پژوهشهای ترجمه در زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبائی، سال ۷، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۴۵-۱۲۰.
- امین پور، قیصر، (۱۴۰۳ه.ش)، کتاب مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور (زرکوب)، انتشارات مروارید.
- ایشانی، طاهره، (۱۳۹۰ه.ش)، «تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو

غزل حافظ و سعدی و تأثیر آن بر انسجام متن»، فصلنامه علمی- پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء، سال ۶، شماره ۱۰، ص ۹-۳۶.

بلاوي، رسول؛ و محمد غفوريفر، (۱۳۹۴ه.ش)، الظواهر الأسلوبية في خطبة «الشقشقية» للإمام علي (ع)، دانشگاه تربيت مدرس، الدراسات في العلوم الإنسانية. دوره ۲ سال، ۱۴۳۶، شماره ۱.

چامسكي، نوام، (۱۳۸۷ه.ش)، «زبان و ذهن»، ترجمه كورش صفوي، چ ۴، تهران: هرمس.

حاج عيدي، حوا؛ و حسين رضويان، (۱۳۹۷ه.ش)، «عوامل انسجام در داستان عدل صادق چوبك»، دوفصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، دوره ۹، شماره ۱۸، پاییز و زمستان ۹۷، ص ۶۹-۹۴.

سارلی، ناصر قلی؛ و طاهره ایشانی، (۱۳۹۰ه.ش)، «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان (قضه نردبان)»، فصلنامه علمی- پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء (س)، سال دوم، شماره ۴، بهار و تابستان ۹۰، ص ۷۷-۵۱.

سجودی، فرزانه، (۱۳۹۳ه.ش)، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: نشر علم.

شعبانلو، علیرضا؛ و مهدی ملک ثابت؛ و یدالله جلالی پنداری، (۱۳۸۷ه.ش)، «فرایند انسجام دستوری در شعری بلند از عمیق بخارایی»، پژوهشهای ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره ۲، شماره ۵، ص ۱۸۸-۱۶۵.

صلح جو، علی، (۱۳۹۱ه.ش)، گفتمان و ترجمه، تهران: نشر مرکز.

عباسی، محمود؛ و عبدالعلی اویسی کهخا؛ و فاطمه ثواب، (۱۳۹۲ه.ش)، «انسجام واژگانی در متن سوررئالیستی بوف کور بر پایه نظریه هالیدی و حسن»، نشریه جستارهای زبانی، شماره ۴، ص ۲۸۳-۳۰۸.

فتوحی رودمجنی، محمود، (۱۳۹۱ه.ش)، سبك شناسی، نظریه ها، رویکردها و روشها، تهران: سخن.

لطفيپور ساعدي، كاظم ، (۱۳۸۷هـ.ش)، «درآمدي به اصول و روش ترجمه»، ط ۸، تهران: مركز نشر دانشگاهي.

موندی، جرمی ، (۱۳۸۹هـ.ش)، درآمدي بر مطالعات ترجمه، ترجمه الهه ستودهنيا و فريده حقيين، تهران: علم.

مهاجر، مهران ؛ومحمد نبوی، (۱۳۹۳هـ.ش)، «زبان‌شناسی شعر» ، تهران: آگاه.

مهاجر، مهران ؛ومحمد نبوی ، (۱۳۷۶هـ.ش)، به سوی زبان‌شناسی شعر، تهران: نشر مرکز.

نعمتی‌قزوينی، معصومه؛ و طاهره ايشانی ، (۱۳۹۲هـ.ش)، «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سورة اعلی و ترجمه آن از صفارزاده»، پژوهش های قرآنی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سال بیستم، شماره ۱، بهار ۹۲، ص ۱۴۵-۱۲۰.

انگلیسی :

Halliday, M. A. K. (1985). "an introduction to functional grammar". London: Edward Arnold.

Halliday, M. A. K. & R. Hasan. (1976), Cohesion in English. London: Longman.

Hasan, R. (1984). "Coherence and Cohesive Harmony". J. Flood. (Ed.). Understanding Reading Comprehension. I.R.A. Newark: Delaware.